

عقلانیت مدیریت جهادی

محمدعلی حسینی نیک *

مجید مختاریان پور **

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۰۸

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵

چکیده

عقلانیت، به عنوان زیربنای هر مکتب مدیریتی می تواند باعث ایجاد تمایزات بسیاری بین آن مکتب و دیگر مکاتب شود. در حال حاضر، علی رغم پرداخته شدن به عقلانیت دینی در تحقیقات موجود، عقلانیت مدیریت جهادی به صورت خاص، مورد توجه واقع نشده است. هدف تحقیق حاضر، درک عقلانیت مدیریت جهادی با مطالعه و بررسی مطالب ذیل آیات جهاد در چهار تفسیر المیزان، نمونه، مجمع البیان و تسنیم و نیز بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد مدیریت جهادی و همچنین نظرات خبرگان است. روش این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی قیاسی است. بر اساس این روش در این تحقیق ابتدا با مراجعه به ادبیات عقلانیت، سه عقل نظری، عملی و کنشی به عنوان مقوله های فراگیر شکل گرفته و سپس با تحلیل اسناد و مصاحبه های متعدد، مقوله های ذیل این سه مقوله فراگیر، به دست آمد. حاصل تحقیق ۷۹۱ کد بود که توسط ۷۵ مضمون فرعی در ذیل ۱۲ مضمون اصلی و ذیل سه نوع عقل، طبقه بندی شدند و مدل نهایی تحقیق را تشکیل دادند. بر اساس نتایج تحقیق، عقل نظری شامل مؤلفه های اعتقاد به جنگ حق و باطل و رحمت خاص الهی؛ عقل عملی شامل مؤلفه های دین محوری، توجه به عوامل مافوق طبیعی و مبارزه با دشمن؛ و سرانجام عقل کنشی شامل مؤلفه های خردمندی، ایثارگری، رابطه سازنده رهبر - پیرو، مسئله محوری، نظام مندی، برخورد صحیح با دشمن و تلاش گری است.

کلیدواژه ها: جهاد؛ مدیریت جهادی؛ عقلانیت؛ عقل نظری؛ عقل عملی؛ عقل کنشی

* کارشناسی ارشد مدیریت سازمانهای دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

hasani_ali1370@yahoo.com

** نویسنده مسول: استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

mokhtarianpour@ut.ac.ir

مقدمه

مدیریت جهادی به عنوان سبکی بومی از مدیریت، با ریشه داشتن در مبانی دینی، در مواجهه با مسائل و حل آنها به شیوه‌ای جهادگونه عمل کرده و همین امر باعث موفقیت آن در عرصه‌های مختلف شده است. از آنجا که هر کنش فردی و اجتماعی‌ای مبتنی بر عقلانیتی شکل می‌گیرد که مبادی، روش‌ها و غایات آن کنش را تعیین می‌کند، مدیریت جهادی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در عرصه نظر و عمل از عقلانیت ویژه خود پیروی می‌کند. حال با وجود آنکه، در زمینه عقلانیت دینی تحقیقات بسیاری صورت گرفته است، ولی به طور خاص عقلانیت دینی زیربنای مدیریت جهادی تاکنون مورد کاوش واقع نشده و این تحقیق می‌تواند با پرداختن به این موضوع، زوایای بیشتری از پدیده مدیریت جهادی را تبیین نماید. در واقع، باید گفت که مدل‌سازی عملکرد مدیریت جهادی و تعیین مختصات آن، نیازمند فهم دقیق از مبانی فلسفی و عقلانی آن است و تحقیق حاضر در پی آن است که با کاوش در آیات قرآن کریم و نیز تفاسیر مرتبط، پایه‌ای محکم برای فهم دقیق‌تر این سبک مدیریتی ایجاد نماید.

بدین ترتیب، در این تحقیق قصد داریم تا ابتدا با تکابر عقل نظری و با جستجو در آیات قرآن کریم، به چگونگی کارکرد جهان هستی پردازیم و در مرحله بعد با تکیه بر عقل عملی و تعمق در آیات مرتبط کتاب الهی به چگونگی هماهنگی مدیریت با کارکرد جهان هستی از دریچه مدیریت جهادی پردازیم تا در نهایت بتوان اثربخشی و کارایی مدیریتی را به بهترین شکل ممکن افزایش داد. بنابراین، هدف تحقیق حاضر آن است که با غور در مطالعات صورت گرفته در زمینه عقلانیت دینی و با توجه به آیات قرآن کریم، مفاهیم مرتبط با مدیریت جهادی را کشف کرده و حلقه واسطی برای ارتباط مفهوم عقلانیت دینی و مدیریت جهادی فراهم آورد. براساس آنچه گفته شد، تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که: عقلانیت مدیریت جهادی چه مؤلفه‌هایی دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش ابتدا به بحث مدیریت جهادی و فلسفه آن پرداخته شده و سپس مبحث عقلانیت مورد کاوش قرار می‌گیرد. در انتهای این بخش نیز تحقیقات پیشین مرتبط با موضوع تحقیق در

حوزه مدیریت جهادی بررسی می‌شود.

جهاد، جنگ مقدس مسلمانان برای دفاع از حریت و استقلال کشور اسلامی است. در بیش از سیصد آیه از آیات قرآن کریم، احکام مربوط به جهاد و دیگر امور مربوط به جنگ از قبیل: اسیران، شهیدان، غزوات، آماده ساختن عده و غده، هجرت و مباحثی از این قبیل آمده است (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۶۵). جهاد در لغت نامه دهخدا به معنای کارزار کردن با دشمنان در راه خدا، جنگیدن در راه حق، خواندن به سوی دین حق و جنگ دینی آمده است (دهخدا، نرم افزار فرهنگ یار). همین واژه در لغت نامه معین با عباراتی چون کارزار کردن، جنگیدن در راه حق، جنگ با دشمنان دین خدا (جهاد اصغر) و جنگ با نفس و تحمل رنج برای مبارزه با امیال نفسانی (معین - نرم افزار فرهنگ یار) بیان شده است. راغب نیز در مفردات خود واژه جهاد را به کاربردن نهایت توان دفاعی در برابر دشمن معنا کرده است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۰۸). قرشی بنایی (۱۳۷۷، جلد اول: ۲۳۶) در مفردات نهج البلاغه این چنین آورده است: «جهاد (به فتح اول و ضم آن) و جهاد: تلاش توأمان با رنج است. به نظر بعضی، جهاد (به فتح اول) تلاش در عمل و ضمن آن تلاش در رابطه با قوت و اطعام است؛ جهاد که به معنای تلاش است به معنای جنگ هم می‌آید؛ اجتهاد: تلاش شدید در تحصیل امری [است]؛ مجاهده: تلاش و جنگ؛ مجهود: تلاش شده و نیز به معنای طاقت و قدرت است؛ جهاد الجهد؛ ظاهراً به معنای جهاد جمیل است». علیزاده (۱۳۶۰: ۲۶) جهاد را «تلاش در راه خدا و برای اعتلای کلمه حق و اسلام» تعریف کرده است. افعال این ماده در قرآن همه از باب مفاعله آمده است و آن به معنای تکثیر است، نه بین الاثنین و تکثیر یکی از معانی مفاعله است. علی‌هذا مثلاً از «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸) سه نوع تلاش برداشت می‌شود: یکی از ماده، یکی از هیئت و یکی از «حَقَّ جِهَادِهِ» یعنی در راه خدا تلاش کنید؛ تلاش بسیار شدید (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، جلد ۲: ۷۸). «جهاد از عبادات خمسه است و در علم سلوک دانسته شده، عبادت شرعیه معین است» (مدرس وحید، بی تا؛ جلد ۳: ۱۷۶).

در مورد فلسفه جهاد، جعفری تبریزی آن را این چنین یادآور می‌شود: «جان آدمی با ورود به میدان کارزار هدف دار الهی و گام نهادن آزادانه به مرز زندگی و مرگ است که از مجرای معامله بازی‌ها و سوداگری‌ها بالاتر می‌رود و طبیعت خود را درمی‌یابد» (جعفری، ۱۳۷۰، ج ۵: ۲۶۳). ایشان معتقدند که «جهاد در اسلام انگیزه‌ای جز اصلاح حال مردم در هر دو بعد مادی و معنوی چیز دیگری نیست. آن آیات قرآنی که صراحتاً می‌گوید: پیامبران برای برداشتن بندهای

گرانبار از دست و پای انسان‌ها مبعوث شده‌اند، معنای جهاد فی سبیل‌الله را کاملاً توضیح می‌دهد که این پیکار برای آزادی است» (جعفری، ۱۳۷۰، ج ۵: ۲۸۱).

جهاد در اسلام به‌عنوان یک امر دفاعی در برابر هر چیزی که بخواهد انسان را از مسیر قرب الهی منحرف سازد، مطرح می‌شود. تعبیراتی که در جملات نخستین خطبه جهاد نهج‌البلاغه دیده می‌شود «همه دلیل روشنی بر دفاعی بودن طبیعت جهاد است؛ چراکه در یک جا جهاد به لباس و در جای دیگر به زره و در جای سوم به سپر، تشبیه شده است و می‌دانیم که این هر سه، در واقع، از وسایل دفاعی است» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۴۵). «قرآن اساساً جهاد را که تشریح کرده است، نه به‌عنوان تهاجم و تغلب و تسلط است، بلکه به‌عنوان مبارزه با تهاجم است... [اسلام به مؤمن فرمان می‌دهد که] باید مردم را از قید اسارت‌های فکری و غیرفکری آزاد کنی. در همه این موارد، جهاد، ضرورت دارد (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۵). جهاد فقط به‌عنوان دفاع و در واقع، مبارزه با یک نوع تجاوز است و می‌تواند مشروع باشد... [یا] برای بسط یک ارزش انسانی [باشد]» (مطهری، ۱۳۹۲: ۶۴). «دایره دفاع را نباید محدود کرد به اینکه حق فرد یا حق یک ملت پایمال شده باشد یا اینکه آن حق حتماً باید مادی باشد، مربوط به خون انسان یا مالش و یا سرزمینش باشد و اگر آن حق معنوی است، حداکثر مربوط به استقلال باشد، بلکه واقعا اگر چیزی جزو مقدمات انسانی قرار گرفت و در خطر واقع شد، دفاع از آن، هم عقلاً مقدس است و هم قرآن آن را مقدس شمرده است: وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ (نساء/۷۵). قرآن جنگیدن به نفع مستضعفین را اجازه می‌دهد و واقعاً ماهیتش دفاع است، اما دفاع که معنایش فقط این نیست که از خودت دفاع کرده باشی [بلکه می‌توانی از حقوق و آزادی دیگران هم دفاع کنی و] تواز آن مستضعفین و بیچاره‌ها داری دفاع می‌کنی» (مطهری، ۱۳۹۴: ۶۵). «ملاک تقدس دفاع این نیست که انسان باید از خود دفاع کند، بلکه ملاک این است که باید از «حق» دفاع کند» (مطهری، ۱۳۹۲: ۶۷).

در طول تاریخ همیشه حق و باطل با یکدیگر در حال جنگ بوده‌اند ولی قرآن وعده پیروزی نهایی حق بر باطل را می‌دهد، آنچنان‌که هیچ نشانه‌ای از باطل باقی نماند و این را سرنوشت نهایی تاریخ می‌داند (مطهری، ۱۳۹۲: ۴۲). پس همیشه حق و باطل در حال جنگ با یکدیگرند. اما از آنجاکه حق را نمی‌توان با زور و سرنیزه به کسی قبولاند «طبیعت جنگ در اسلام، طبیعت دفاعی است، ولی گاه مسائل دفاعی، تهاجم را ضروری می‌سازد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸،

ج ۲: ۱۴۵). اما باطل هیچ‌گاه از مبارزه با حق دست‌بردار نخواهد بود، از این رو «هر تلاشی که در مقابله با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی، اسمش جهاد است؛ اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد» (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰). «نیت اگر نیت خدائی باشد، می‌شود جهاد فی سبیل‌الله. وقتی انسان برای اعلائی کلمه حق، اعلائی کلمه اسلام، عزت‌بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود جهاد فی سبیل‌الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل‌الله وجود دارد. وقتی برای خدا و در راه خدا حرکت می‌کنید، به پیروزی خواهید رسید. خدای متعال به آن تلاشی، به آن کاری، به آن نیت و عزمی که در این جهت باشد، حتماً برکت می‌دهد و کمک می‌کند» (بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۳۹۰/۰۱/۰۸). در همین رابطه، استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید: «زندگی انسان اگر مقرون به حق‌جویی و حقیقت‌خواهی و اخلاص و عمل و کوشش باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرد و از راه‌هایی که بر ما مجهول است دست‌غیبی ما را تحت عنایت خود قرار می‌دهد.» (مطهری، ۱۳۹۱ الف: ۷۵) و نیز همین شهید بزرگوار در کتاب انسان و سرنوشت بیان می‌دارند که از منظر مکاتب مادی آن چیزی که در عالم مؤثر است فقط ماده و قوانین مادی است؛ سلامتی، رزق، مرگ، حیات و دیگر حوادث همه در گروی امور مادی است، لیکن از منظر مکاتب الهی علاوه بر عوامل مادی، عوامل معنوی نیز در امور عالم مؤثرند و بلکه تأثیرشان به مراتب، بیشتر است. هستی همچون یک واحد زنده، پویا، شنوا و بیناست که در برابر حق و حقیقت‌خواهی و فرد مؤمن حق‌خواه، و ظلم و جور و ظلم‌طلبی و فرد ظالم و کافر به یک شکل عمل نمی‌کند، بلکه تمام نیروی عالم هستی پشتیبان آن مؤمن حق‌خواه و حق‌طلب می‌شود و صدها برابر تلاش فرد مؤمن، نتیجه، عاید او می‌کند (مطهری، ۱۳۹۱ ب: ۸۹-۸۵).

در مورد مدیریت جهادی باید گفت که مدیریت جهادی، سبک خاصی از مدیریت اسلامی است که ریشه در انقلاب اسلامی و نهادهای برخاسته از آن دارد. این سبک مدیریت با میراث عظیم برجای مانده از جهاد سازندگی و هشت سال دفاع مقدس سعی در تحقق اهداف انقلاب و موفق‌نشان‌دادن دین در عرصه اداره مسائل اجتماعی دارد. این سبک از مدیریت، لزوماً در راستای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت قرار خواهد داشت (حجازی‌فر، ۱۳۹۴؛ مبینی، ۱۳۹۵؛ قائدعلی و عاشوری، ۱۳۹۳؛ عبدی و طاهری هشی، ۱۳۹۴). مدیریت جهادی، هنر توانستن و ارائه طرح و ایده

جدیدی بود که با ظهور پدیده انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت (لطیفی و سعدآبادی، ۱۳۹۳). مدیریت جهادی را می‌توان از نوع هنر مدیریت دانست. این نگرش مدیریتی، متضمن تعهد به عمل بر مبنای اندیشه، تفکر آینده‌نگر، عزم راسخ به برنامه‌ریزی منظم و مداوم است. مدیریت جهادی یعنی علم و هنر رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی، مبتنی بر مبارزه در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... جهت نیل به اهداف راهبردی و کلان یک نظام و رفع موانعی است که در رسیدن به آن وجود دارد. مدیریت جهادی در واقع، سبکی برخاسته از تفکر بومی و متناسب با مقتضیات فرهنگی و اجتماعی ایران است. از ویژگی‌های این مدیریت، خدمت با نیت الهی، خستگی‌ناپذیری، استقامت در کار، انعطاف‌پذیری، سرعت عمل، ابتکار و خلاقیت، مدیرپروری، شجاعت، مسئولیت‌پذیری همراه با اخلاص و فروتنی است. این رویکرد مدیریتی دارای یک اصل محوری و بنیادی است که آن تأکید تام بر معنویت و ارزش‌های اخلاقی، اسلامی و انسانی است. در واقع، مدیریت جهادی بدون معنویت وجود نخواهد داشت (تولایی و شکوهیار، ۱۳۹۳). رضوان‌خواه و فاضلی دهکردی (۱۳۸۹) پژوهشی حول اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی انجام داده‌اند که براساس آن، تقویت شخصیت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و استقلال اقتصادی از مبانی کار جهادی هستند، احساس مسئولیت اجتماعی، حفظ عزت‌مندی، تخصص‌داشتن، رعایت اخلاق حرفه‌ای، اعتدال در فقر و غنا، جلب رضای پروردگار و اصالت کار از اصول کار جهادی بوده و روش‌های عمل جهادی نیز شامل انفاق کردن، زکات‌دادن، قرض‌الحسنه (وام) دادن، قناعت‌ورزیدن، پرهیز از حرص و طمع، مداومت‌ورزی بر یک کار مشخص، تجربه‌اندوزی، تعهد و وجدان کاری‌داشتن در کار، کار مضاعف و پرهیز از تنبلی، پرهیز از دغل‌کاری، پرهیز از اسراف، کسب روزی حلال، شکرگزاری و استفاده صحیح از نعمت‌ها و پرهیز از احتکار و کم‌فروشی است. از جمله نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم همواره علاوه بر پیشرفت فردی افراد در زمینه شغل و حرفه مربوطه، به پیشرفت جامعه اسلامی نیز عنایت داشته و کارگزاران را به رهنمودهایی جهت توجه به مسائل، مشکلات و نیازهای جامعه رهنمون شده است». در واقع، براساس این پژوهش، پیشرفت فرد، سازمان و جامعه در یک امتداد، در مدیریت جهادی به‌مثابه پیش‌فرض بوده و از احکام آن حساب می‌شود. البته هر سه مورد مذکور باید در مسیر دین الهی و ولایت حق باشد. به‌طور کلی مدیریت جهادی ذیل فرهنگ جهادی تعریف می‌شود و فرهنگ جهادی نیز حاوی این عناصر است: انجام کار با انگیزه و صبغه الهی،

خدمت‌رسانی خالصانه، جرئت و جسارت، ارزش‌محوری، اعتصام به حبل متین، خودباوری، آرمان‌خواهی، عدالت‌منشی و عدالت‌طلبی، ایثار، جهاد درونی و تزکیه، جهاد بیرونی و مقاومت، پویایی (تحول و تحرک بی‌وقفه و مبارزه با سکونی و رخوت)، نوآوری و خلاقیت، خستگی‌ناپذیری، مردم‌داری (رجحان خواست مردم بر خود)، وحدت در اندیشه و عمل، دانش‌گرایی (باقری، جاجرمی‌زاده و کیانی، ۱۳۹۳).

در مورد عقلانیت برخی برآنند که عقلانیت همان فرایند اندیشیدن است (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۷)؛ ولی نکته آن است که اندیشیدن در هر حالی توسط انسان انجام می‌شود، ولی ما همه رفتارها را عقلانی نمی‌دانیم. نظریه‌پردازان مختلف عقلانیت را به اشکال گوناگون تعریف کرده، سطوح مختلفی برای آن در نظر گرفته و ابعاد مختلفی برای آن برشمرده‌اند. «عقلانیت یک مفهوم هنجاری است» (قائم‌نیا، ۱۳۸۳)؛ یعنی براین اساس که فرد یا جامعه، به جهان چگونه می‌نگرد، رفتارهای خاصی را خوب یا بد دانسته که رفتار مطابق آن را رفتار عقلانی می‌نامند.

عقلانیت مصدر جعلی از عقل، به معنای عقلانی و معقول‌بودن است (اسلامی تنها، ۱۳۹۰). لغت‌نامه آکسفورد^۱ عقلانیت را کیفیتی از هستی تعریف می‌کند که مبتنی یا منطبق بر دلیل و منطق است.^۲ کیکس^۳ عقلانیت را کمال مطلوبی^۴ می‌داند که در تمدن غربی بهترین حالت هر چیزی را نمایان می‌سازد که البته در گذر زمان باید بازتعریف شود. وی عقل‌گرایی^۵ را گرایش^۶ انسان به اتخاذ باورهای عقلانی و کنش عقلانی منطبق بر نیازهای رخ‌نموده منطبق با همان عقاید تعریف می‌کند. او بیان می‌دارد افرادی که عقلانی عمل می‌کنند، نسبت به دیگران بهتر به هدف‌هایشان دست پیدا خواهند کرد. از نظر او عقلانیت با استدلال^۷ رابطه بسیار نزدیکی دارد، به طوری که برای توجیه یک اعتقاد باید دلایل خوبی برای آن داشت (کیکس، ۱۹۷۶: ۱۶ - ۱۷). وی در مقاله دیگری عقلانیت را اشتغال به فعالیت برای تشخیص درستی از اشتباه تعریف می‌کند. او رابطه‌ای میان عقلانیت، استدلال و دانش^۸ قائل است که طبق آن دانش، مفهومی محدودتر و دقیق‌تر است،

1 - Oxford Dictionary

2 - The quality of being based on or in accordance with reason or logic

3 - John Kekes

4 - Ideal

5 - Rationalism

6 - Attitude

7 - Justification

8 - Knowledge

درحالی که عقلانیت، عام‌ترین و شامل‌ترین آنهاست، استدلال نیز میان این دو قرار دارد (کیکس، ۱۹۸۹). یعنی براساس عقلانیت اقدام به استدلال کرده و براساس استدلال به دانش دست می‌یابیم. ملکیان عقلانیت را تبعیت کامل از استدلال تعریف می‌کند (کاجی، ۱۳۸۳). نیکرسون جنبه‌های عقلانیت را شامل انطباق با منفعت شخصی^۱، انطباق کنش با ترجیحات یا اهداف، رفتار انتخابی مبتنی بر تحلیل بهینه، رضایت‌بخشی، انطباق با هنجارها، بازاندیشی^۲، واکنش [مثبت] به دلایل^۳ و تطابق‌پذیری عمل‌گرایانه^۴ می‌داند (نیکرسون^۵، ۲۰۰۸: ۲۲ - ۳۹). سلامت باویل نیز اعتقاد دارد که عقلانیت به منزله امری عینی است و میان عقلانیت و دانش، رابطه محکمی وجود دارد (سلامت باویل، ۱۳۹۳). البته این عقیده فلاسفه مسلمان است که عقلانیت را امری ممکن در نظر گرفته‌اند. آنها با استناد به «عقل فعال» و نیز «معیار منطقی» که جهان‌شمول است، عقلانیت را امری ممکن دانسته‌اند؛ برخلاف نظریه‌پردازان پست‌مدرن که با هر نوع جهان‌شمولیتی مخالفت کرده و معیار منطقی را نیز ممکن نمی‌دانند. درواقع، آنها عقلانیت را در هر فرهنگی، خصوصی دانسته و معیار عامی برای آن نمی‌شناسند (فخری ماجد، ۱۳۸۳). مردی‌ها (۱۳۸۹) تعریف خود از عقلانیت را مبتنی بر یک نوع انسان‌شناسی استوار می‌داند که طبق آن انسان در وهله اول، مجموعه‌ای از خواهش‌ها یا همان غرایز است که سعی در برآورده کردن آنها دارد. در این حد، انسان با حیوانات هیچ تفاوتی ندارد، اما علاوه بر این اشتراکات، انسان‌ها از قوه‌ای بهره‌مندند که این غرایز را به صورت پیچیده‌ای هدایت می‌کند. او این ابزار راهنمایی خواهش‌ها را همان عقل می‌داند که سعی در کشف بهترین راه برای رفع نیازهای انسانی دارد. هرچه این راه‌یابی بهتر باشد، عقل، عقلانی‌تر عمل کرده است. مردی‌ها این فرایند را عقلانیت می‌نامد (مردی‌ها، ۱۳۸۹: ۲۳۵). به گفته منصور، عقلانیت وصف اعمال و تصمیم‌های ماست. از طرفی، عقلانیت نیازمند معیارها و شاخص‌هایی است و این شاخص‌ها می‌تواند با معیارهای دیگری در معرض بحث و انتقاد قرار بگیرد. بنابراین، عقلانیت اعمال، بستگی به اهداف و شرایط و موقعیتی دارد که در آن روی می‌دهند؛ عمل عقلانی تا حدی وابسته به شناخت شرایط و موقعیت یا به تعبیر پوپر «منطق موقعیت» است (منصور، ۱۳۹۴). گیدنز

1 - Rationality as consistency with self-interest

2 - Reflectiveness

3 - Responsiveness to reasons

4 - Pragmatic adaptiveness

5 - Nickerson

و ساتن عقلانی‌سازی^۱ را فرایند تعویض ایده‌ها و عقاید سنتی با قواعد، شیوه‌ها و رسوم منظم تعریف کرده است که منتهی به تفکر می‌شوند و بنابر آن، عمل عقلانی را عملی مبتنی بر استدلال می‌دانند که ابتدا عواقب آن سنجیده شده و سپس فعلیت می‌یابد (گیدنز و ساتن^۲، ۲۰۱۴: ۳۹ - ۴۰).

زیباکلام در دو کتاب «عقل و استدلال و عقلانیت» و «افسانه‌های آرام‌بخش» به مقوله عقل و تفکر عقلانی پرداخته و نگاه خود به این موضوعات را کاملاً تبیین کرده است. از نگاه وی، تعقل فعلی فرمان‌پذیر و قابل امر و نهی است (زیباکلام، ۱۳۹۶: ۹۰). «ما انسان‌ها، همگی مان، نه بیشترمان، موجوداتی گرانبار از تعلقات و آمال و امیال هستیم و در نتیجه بی‌طرف نبوده، نسبت به هر آنچه نسبتی دور یا نزدیک با مجموعه تعلقاتی مان داشته باشد، موضع داریم یا موضع می‌گیریم» (زیباکلام، ۱۳۹۵: ۳۳). وی معتقد است که «تقویماً انسان آزادِ رهایِ فارغ از جمیع تعلقات و رهیده از جمله تمنیات، بنیاناً وجود ندارد» (زیباکلام، ۱۳۹۶: ۱۴). زیباکلام، عقلانیت را همان عقلانی‌بودن تعریف می‌کند و آن را محصول تعقل می‌داند. وی تعقل را چنین تعریف می‌کند «تعقل عبارت است از فرایندی ذهنی که ما را از مجموعه‌ای از باورها به مجموعه دیگری منتقل می‌کند» (زیباکلام، ۱۳۹۵: ۹۰ - ۸۹). او معتقد است که اندیشیدن یا تعقل عبارت است از عبور از مبانی و مقدمات به نتایجی از طریق مجرا یا مجاری، پس اگر مبانی و مقدمات را سرمایه اصلی و آغازین فرایند تعقل بدانیم، در این صورت، مبانی و مقدمات ضدالهی نوعاً نتایج ضدالهی به دست خواهد داد و مبانی و مقدمات الهی هم نوعاً نتایج الهی به ثمر خواهد نشاند (زیباکلام، ۱۳۹۶: ۸۲ - ۸۱).

در مورد انواع عقلانیت، اشتینمارک سه نوع عقلانیت را احصا می‌کند:

۱. عقلانیت نظری که با آنچه که ما (یا سایر اشکال وجود)^۳ باید به آنها باور داشته باشیم و یا بپذیریم، مرتبط است؛
۲. عقلانیت عملی که با آنچه که ما (یا سایر اشکال وجود) باید عمل کنیم یا انجام دهیم، مرتبط است؛
۳. عقلانیت ارزشی که با آنچه که ما (یا سایر اشکال وجود) باید به آنها ارزش دهیم یا آنها را

1 - Rationalization

2 - Giddens & Sutton

3 - Some their kinds of beings

ترجیح دهیم، مرتبط است (اشتتمارک^۱، ۱۹۹۵: ۱۸ - ۱۹).

نیکرسون معتقد است که وظیفه عقلانیت نظری، تطابق میان عقاید و واقعیت جاری است؛ وظیفه عقلانیت علمی هم تطابق میان کنش و عمل با اهداف و ترجیحات فردی است (نیکرسون، ۲۰۰۸: ۴۱).

محمودی (۱۳۸۲: ۵۷ - ۱۴) سه سطح عمده عقلانیت را به این ترتیب برمی‌شمارد: عقلانیت نظری، عقلانیت کنشی و عقلانیت ساختاری.

۱. عقلانیت نظری: دایره عقلانیت نظری به بسط عقل در حوزه معرفت نظری و تدوین برهان و استدلال محدود است. این نوع از عقلانیت فاقد عنصر تاریخت بوده و ادعای طرح مسائل جهان‌شمول و غیروابسته به عنصر زمان را دارد. این سطح از عقلانیت می‌تواند فرایندهای شناختی را دربرگیرد و ضرورتاً بر کنش‌های صادرشده از افراد مؤثر نیست. شاید تنها بتواند الگوهای جدیدی از کنش را به شکل غیرمستقیم معرفی نماید.

۲. عقلانیت کنشی: این سطح از عقلانیت، بخشی از عقل است که در کردارها، اعمال و رفتار افراد ظاهر می‌شود. عقلانیت کنشی، پدیده‌ای عینی یا صورتی از کاربرد عقل است که کنشگر هنگام عمل به جهت و چگونگی تحقق آن توجه دارد. این سطح از عقلانیت حاکی از آن است که کنش (عمل) با فرایندهای نظام‌مند خارجی سازگار است. این سنخ شامل عقلانیت عملی از منظر فلسفی و نیز عقلانیت عملی و ذاتی از دیدگاه جامعه‌شناسی است.

۳. عقلانیت ساختاری: نام دیگر آن عقلانیت ابزاری یا عقلانیت رسمی است. هویت این نوع از عقلانیت، غیرفردی و جمعی، بیرونی، عمومی و الزام‌آور است. در این نوع عقلانیت، عقل در نهادها و قواعد جمعی بازتولید می‌شود و نیازی نیست هر فرد به صورت آگاهانه بر عقلانی بودن رفتارشان نظارت داشته باشد. درواقع، مردم برای جستجوی مناسب‌ترین روش برای دستیابی به هدف معین، به حال خود رها نمی‌شوند، بلکه قواعد و ساختارهای جامعه روش‌های مناسب را پیشاپیش تعیین کرده یا آنها را در کشف این روش‌ها یاری می‌رساند. این عقلانیت درواقع، یک نوع توانایی عملی و مهارت در تقسیم اجتماعی کار است که تابعی از فعالیت‌های سازمان‌یافته جامعه صنعتی به‌شمار می‌آید.

استفن کالبرگ از شارحان متأخر و بر، چهار نوع از عقلانیت را در آثار وی برشمرده است:

عقلانیت عملی^۱، عقلانیت نظری^۲، عقلانیت ذاتی^۳ و عقلانیت رسمی^۴ یا صوری؛ که عقلانیت عملی معطوف به عمل بوده و اشخاصی که این نوع از عقلانیت را به کار می‌بندند واقعیات موجود را پذیرفته و مقتضی‌ترین روش‌ها را برای برخورد با مشکلات ناشی از واقعیات محاسبه و به کار می‌گیرند. عقلانیت نظری کوشش شناختی و ادراکی است که ترجیحاً واقعیت‌ها را از طریق مفاهیم فوق‌العاده انتزاعی و مجرد شناسایی می‌کند و شناخت حاصل از آن شناختی مفهومی است نه شناختی که از طریق کنش‌ها حاصل شده باشد. عقلانیت ذاتی بسیار شبیه به عقلانیت عملی است؛ چراکه اثرات مستقیمی بر ایجاد الگوهای جدید کنش دارد. عقلانیت ذاتی شامل بهترین روش‌ها برای رسیدن به اهداف موردنظر در داخل یک «نظام ارزشی سازگار» است. البته چنانکه وبر در قالب «عقلانیت معطوف به ارزش‌ها» توضیح داده در این شیوه، عقلانیت صرفاً معطوف به ابزارها و روش‌هاست. ولی هدف با توجه به خاستگاه‌های مذهبی یا ملی همچنان می‌تواند دارای ماهیت ارزشی باشد. هر نظام ارزشی یا دینی که دارای آموزه‌ها و ابزارهای عقلانی برای رسیدن به هدفی معین باشد، می‌توان آن را نظام ارزشی سازگار نامید. این نام‌گذاری به دلیل سازگاری اهداف و وسایل عقلی متناسب با آن است. عقلانیت جوهری نام دیگر عقلانیت ذاتی است (اسلامی تنها، ۱۳۹۰). عقلانیت رسمی یا صوری برخلاف انواع پیشین، دارای دو ویژگی بسیار مهم است: اول اینکه در آن، هم اهداف و هم وسایل در اکثر بخش‌ها عقلانی‌اند، لذا، این مبحث در ذیل «عقلانیت معطوف به هدف» قرار می‌گیرد. دیگر آنکه این نوع عقلانیت دارای حالت ساختاری - اجتماعی است و در آن، هم اهداف و هم وسایل به شکل کاملاً جمعی در سطح مقررات اجتماعی و قواعد کاربری جامعه وارد شده و اعضای جامعه را از بیرون به شکل الزام‌آوری تحت سیطره خویش می‌گیرد (محمدی، ۱۳۸۲: ۴۹ - ۴۰).

هابرماس، فیلسوف اجتماعی آلمانی مدعی بود که جامعه مدرن، تحت سلطه نهادهای علمی، فنی و تخصصی اداری، تشکیل یافته که نقطه کانونی توجهش را بر افزایش راه‌های عقلانی و کارا در مسیر دستیابی به هدف متمرکز کرده است (هچ و کانلیف^۵، ۲۰۱۳: ۱۷۴). «وی به عنوان

-
- 1 - Practical Rationality
 - 2 - Theoretical Rationality
 - 3 - Substantive Rationality
 - 4 - Formal Rationality
 - 5 - Hatch & Cunliffe

مهم‌ترین نماینده مکتب انتقادی سعی بر آن داشت تا با حمله به عقلانیت ابزاری، راه را برای تکامل عقلانیت فرهنگی (ارزشی) هموار سازد. انتقاد از عقل‌گرایی مدرن که به شکل فاجعه‌باری در خدمت نیروهای سلطه و محدودکننده قرار گرفته یکی از وظایف محوری هابرماس است. به نظر او عقل‌گرایی مدرن در بهترین حالت، استخدام یک‌سری ابزارها و وسایل مناسب جهت رسیدن به اهداف و مقاصدی است که صاحبان زر و زور و تزویر آنها را تعیین کرده‌اند. هدف و ارزش‌هایی که در اجتماعات کنونی به شکل هنجاری و ازسوی «نظام اجتماعی» بر اندیشه و «جهان‌زندگی» تحمیل می‌شوند، اعمال سلطه‌ای بیش نیست که جهان‌زندگی و ارتباطات اجتماعی را مقهور و مغلوب می‌سازد. آنچه که در تحلیل نهایی، هابرماس را قانع می‌سازد تکاملی از جامعه و ارزش‌هاست که در اثر «توافق آزاد»، رها از سلطه، خردمندان و جمعی پدید آمده باشد» (محمدی، ۱۳۸۲: ۴۷).

از آنجا که در زمینه عقلانیت مدیریت جهادی به صورت ویژه تاکنون تحقیقی انجام نشده است، لذا در این بخش صرفاً به تعدادی تحقیقات انجام‌شده در حوزه مدیریت جهادی به‌طور کلی پرداخته می‌شود:

عبدی و طاهری هشی (۱۳۹۴) در تحقیق خود باتکیه بر آیات مرتبط با جهاد در قرآن کریم و با استفاده از کدگذاری کیفی (مبتنی بر روش نظریه داده‌بنیاد)، درصدد تبیین مفهوم و جوهره مدیریت جهادی برآمده‌اند. براساس تحقیق ایشان، «توکل به خداوند» مقوله محوری مدیریت جهادی تشخیص داده شده است که قرب الهی به‌عنوان علت بر آن اثر گذاشته و این مقوله محوری منجر به اتخاذ راهبردهای مدیریت جهادی شامل: مشورت، جدیت، تدبیر، قاطعیت، اخلاق مدیریتی، عدم اسراف، رعایت اصول مدیریتی، نگاه سیستمی، سرعت عمل، عدالت، امانت‌داری، اشاعه وحدت، مدیریت راهبردی منابع انسانی، مدیریت بر مبنای عملکرد، انفاق، رفتار مدیریت، وفای به عهد می‌شود و در نتیجه اتخاذ این راهبردها پیامدهای اطاعت‌پذیری، قدرت، تقوا، نظم، پیشگامی، عمل‌گرایی، بهبود مستمر، هماهنگی گفتار و عملکرد، هدایت‌گری، سعه‌صدر، عدم سوءاستفاده از مقام و موقعیت، نرسیدن و محزون‌نشدن به‌دست می‌آید. همچنین براساس تحقیق ایشان از مردم، در میان مردم و با مردم بودن مدیر جهادی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر و حقیقت‌گرایی، حسن‌ظن، حق‌مداری و عدم انحراف از عدالت، به‌عنوان بستر بر چگونگی راهبردهای مدیریت جهادی تأثیر می‌گذارند.

حجازی فر (۱۳۹۴) نیز در تحقیقی دیگر تحت عنوان «چیستی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی» به منظور ترکیب نتایج پژوهش‌های گذشته با استفاده از روش فراترکیب، ۲۸ مقاله مرتبط را شناسایی و مورد مطالعه قرار داده و در نهایت مؤلفه‌های مدیریت جهادی را در ده مقوله شامل: برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری، ارتباطات، سازماندهی، رهبری، نظام ارزشی، تصمیم‌گیری، کنترل، توجه به رشد و توانمندسازی، منابع و امکانات و در نهایت خلاقیت و نوآوری ترکیب نموده است. همچنین براساس این تحقیق، مفاهیم اسلام‌گرایی و دین‌محوری، ولایت‌مداری و ارزش‌محوری به عنوان عوامل اساسی در شکل‌گیری مدیریت جهادی، ایفای نقش می‌کنند.

تولایی و شکوهیار در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی با رویکرد کارت امتیازی متوازن»، براساس رویکرد کارت امتیازی متوازن، مؤلفه‌های مدیریت جهادی را در چهار منظر مشتری، فرایندهای داخلی، رشد و یادگیری و مسائل مالی دسته‌بندی نموده و از نظر اهمیت، مورد ارزیابی قرار داده‌اند. بدین ترتیب، از لحاظ ۴ منظر کارت امتیازی متوازن، به ترتیب منظر مالی با امتیاز ۳۴٪، بیشترین تأثیر را بر عملکرد سازمانی داشته و پس از آن به ترتیب منظرهای مشتری با ۲۹٪، رشد و یادگیری با ۲۷٪ و در نهایت فرایندهای داخلی با ۱۰٪ قرار می‌گیرند. همچنین از بین ۲۰ مؤلفه شناسایی شده مدیریت جهادی، ۱۰ مؤلفه برتر مؤثر بر عملکرد سازمانی به ترتیب عبارتند از: قناعت (۱۰/۷٪)، خدمت بی‌منت به مردم (۱۰/۱٪)، اهمیت دادن به بیت‌المال (۹/۷٪)، پرهیز از فساد مالی (۹/۳٪)، رعایت آداب اسلامی (۷/۶٪)، رعایت تقوای الهی (۶/۶٪)، توجه به محرومین و مستضعفین (۶/۵٪)، همدلی و مشارکت (۶/۱٪)، ایثار و از خودگذشتگی (۵/۷٪)، و تکلیف‌مداری (۴/۶٪) است.

در پژوهش دیگری نیز فرهنگ‌اندینا و مختاریان‌پور (۱۳۹۶) الگوی شایستگی مدیران جهادی را بر مبنای بیانات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) ارائه نموده‌اند. این الگو شامل شایستگی‌های دینی - اعتقادی (مسلمان در گفتار و کردار، بنده محض خدا، جهادگر با نفس، متوکل)، شایستگی‌های اخلاقی انقلابی فردی (جسور، دارای اعتماد به نفس، دارای اراده راسخ، دارای روحیه انقلابی، صادق در کردار، وطن‌پرست، آزاده، زاهد به دنیا، ساده‌زیست)، شایستگی‌های اخلاقی انقلابی میان‌فردی (متعهد، ایثارگر، خدمت‌گزار، قانون‌مدار و فسادستیز، امین، عدالت‌خواه، اتحاد‌پرور) و شایستگی‌های مدیریتی (عالم به علم مدیریت و هدایتگر، شایسته‌گزین و برانگیزاننده، نقدپذیر منصف و مشورت‌خواه، منافی مقام‌پرستی و دارای نگاه

تکلیفی به وظایف، مردم‌دار و همگراکننده افکار، عدم ورود به حوزه اختیارات دیگران، دارای شمّ سیاسی، مدبّر، تجربه‌اندوز، صبور و دارای سعه‌صدر، متواضع، مهرورز و حلال مسائل جامعه) است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از راهبرد تحلیل محتوای کیفی^۱ استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی شامل مجموعه‌ای از فنون برای تحلیل نظام‌مند متن است (میرینگ^۲، ۲۰۰۰). تحلیل محتوا به هر رویه‌ای اطلاق می‌شود که برای تحلیل، تلخیص، طبقه‌بندی و استنباط خصوصیات خاص از متن منجر می‌شود و در مواردی معنای پنهان واقع در آن هویدا شده و گاهی امکان مقایسه چندین متن را به ما می‌دهد (مؤمنی‌راد و دیگران، ۱۳۹۲). «مسیر حرکت در تحلیل محتوای کیفی عمدتاً از متن به سمت بیرون‌کشیدن مقولات و سپس ایجاد مدل‌ها و نقشه‌های مفهومی است» (محسنی تبریزی و سلیمی، ۱۳۹۱).

در تحلیل محتوای کیفی می‌توان از دو رویکرد قیاسی^۳ یا استقرایی^۴ استفاده نمود که در این پژوهش از رویکرد قیاسی استفاده شده است. در تحلیل محتوای کیفی قیاسی، ابتدا مقوله‌های فراگیر به واسطه نظریه‌های موجود و از خلال ادبیات نظری شکل می‌گیرند و سپس زیرمقوله‌ها با تحلیل داده‌ها کشف می‌شوند، اما حین گردآوری و تحلیل داده‌ها امکان تغییر مقوله‌های فراگیر وجود دارد. همین امر موجب انعطاف‌پذیری روش می‌شود (شرایر^۵، ۲۰۱۴). به بیان دیگر، «تحلیل محتوای کیفی قیاسی با استفاده از نظریه‌ها و رویه‌های موجود، تجربه‌ها یا دانش متخصصان و تحقیقات پیشین، آغاز می‌شود. مفهوم‌ها و متغیرها، مقوله‌ها، کدها و روابط میان آنها و سازه‌های تحلیل، پیش از ورود به متن و تحلیل داده‌ها و براساس این پیشینه، تعریف و تدوین می‌شوند. جنس استنتاج، قیاس است که اطلاعات و دانش موجود را برای فهم اشیا یا شکل دادن به آراء به کار می‌گیرد و از کلی به جزئی، حرکت می‌کند و هدف آن، آزمون و ارزیابی دوباره داده‌ها یا نظریه‌ها یا کاربرد آنها در موقعیت‌های متفاوت و پالایش، گسترش یا غنای بیشتر نظریه‌ها است و می‌تواند

1 - Qualitative content analysis

2 - Mayring

3 - Deductive

4 - Inductive

5 - Schreier

شامل آزمون مقوله‌ها، مفهوم‌ها، الگوها یا فرضیه‌ها نیز باشد» (محسنی تبریزی و سلیمی، ۱۳۹۱).
براساس آنچه بیان شد، در این پژوهش ابتدا از درون ادبیات پژوهش مقوله‌های فراگیر ساخته شدند و سپس با کدگذاری توصیفی اسناد و مصاحبه‌ها مقولات فرعی، استخراج و بدنه مدل پردازش شد. فرایند گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش در نمودار (۱) نشان داده شده است:



نمودار ۱. فرایند گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش

در گام ابتدایی این تحقیق باتکیه بر ادبیات عقلانیت، سه مقوله فراگیر شامل: عقلانیت نظری، عملی و کنشی استخراج شد. در مرحله بعد آیاتی که شامل یکی از مشتقات جهاد بودند، استخراج شد که این تعداد شامل ۳۶ آیه با ۴۱ بار تکرار مشتقات کلمه جهاد در آنها بود. سپس هشت آیه به دلیل عدم ارتباط با موضوع پژوهش، حذف شدند و کار کدگذاری توصیفی آغاز شد. در اولین مرحله تفسیر نمونه و پس از آن تفسیر المیزان مورد کدگذاری قرار گرفتند. در این مرحله از آنجا که رویکرد تفاسیر با چشم‌انداز پژوهش حاضر متفاوت بود و همچنین سه تفسیر از چهار تفسیر مورد تحلیل، جزو تفاسیر نسبتاً قدیمی به حساب می‌آمدند، لذا پیش از ورود به تحلیل سومین تفسیر، ۵ مصاحبه اکتشافی با خبرگان صورت گرفت تا خلأهای پیش‌گفته پوشش داده شود و پژوهش، عمق و دقت بیشتری بیابد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

سطح تحصیلات					
تحصیلات حوزوی: ۱ نفر		تحصیلات حوزوی و دکتری (توأمان): ۴ نفر			دکتری: ۶ نفر
رشته تخصصی					
تحصیلات حوزوی: ۱ نفر	الهیات و تحصیلات حوزوی: ۱ نفر	مدیریت و تحصیلات حوزوی: ۲ نفر	فلسفه و تحصیلات حوزوی: ۱ نفر	مدیریت: ۴ نفر	فلسفه: ۲ نفر

پس از انجام و تحلیل مصاحبه‌های اکتشافی، برای غنای بیشتر تحقیق یازده کلیدواژه موضوعی از بیانات رهبر معظم انقلاب شامل: «جهاد سیاسی»، «جهاد علمی»، «جهاد فرهنگی»، «جهاد کبیر»، «جهاد اقتصادی»، «معنویت، عقلانیت، عدالت»، «مدیریت جهادی»، «نصرت الهی»، «نفوذ دشمن»، «وعده‌های الهی» و «یأس دشمن» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

اکنون پس از مراحل فوق، دو تفسیر مجمع‌البیان و تسنیم نیز کدگذاری شدند و در مرحله بعد با توجه به اینکه رهبر معظم انقلاب در سخنانشان از آیه هفتم سوره مبارکه محمد (ص) و آیه چهارم سوره مبارکه فتح به دفعات استفاده کرده بودند، تصمیم گرفته شد تا این دو آیه نیز در تفاسیر مذکور مورد بررسی و کدگذاری واقع شوند. در نهایت نیز براساس توصیه خبرگان دو کتاب «جهاد» و «نبرد حق و باطل» شهید مطهری بررسی و کدگذاری شدند.

بدین ترتیب با تحلیل و کدگذاری منابع مختلفی که به صورت هدف‌مند انتخاب شده بودند، الگوی نهایی عقلانیت مدیریت جهادی شکل گرفت که در بخش یافته‌ها به عناصر آن پرداخته خواهد شد.

برای تأمین کیفیت تحقیق حاضر از معیار اعتمادپذیری گوبا و لینکلن^۱ شامل چهار زیرمعیار استفاده شده است. فن‌های به‌کارگرفته‌شده در این تحقیق برای تأمین هر یک از چهار زیرمعیار اعتمادپذیری در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. زیرمعیارها و فن‌های ارزیابی اعتمادپذیری نتایج تحقیق

ردیف	زیرمعیار	فن تأمین زیرمعیار
۱	قابل قبول بودن	ارائه مدل نهایی به خبرگان مصاحبه‌شده و اعمال نظرات اصلاحی آنها (باورپذیری درونی)
		ارائه مدل نهایی به خبرگان بیرونی و اعمال نظرات اصلاحی آنها (باورپذیری بیرونی)
۲	انتقال‌پذیری	وصف تفصیلی همه جزئیات مرتبط با فرایند تحقیق
		نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار
۳	تأییدپذیری	ارائه جزئیات روش‌ها و داده‌های تحقیق
۴	قابلیت اطمینان	دراختیار گذاشتن داده‌ها، روش‌ها و تصمیمات اتخاذشده در پژوهش، با هدف امکان‌پذیری بازبینی تحقیق توسط دیگر پژوهشگران

یافته‌های پژوهش

در نهایت ۷۹۱ مضمون استخراج شد که ابتدا در ۷۵ مضمون فرعی دسته‌بندی شده و سپس ذیل ۱۲ مضمون اصلی قوام یافته و با اتصال به مضامین فراگیر مدل نهایی تحقیق را تشکیل دادند. در جدول ۳، چگونگی قرارگیری مضامین فرعی در ذیل مضامین اصلی و فراگیر قابل مشاهده است.

جدول ۳. چگونگی ترتیب قرارگیری مضامین فرعی ذیل مضامین اصلی و فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای توصیفی		
عقل نظری	اعتقاد به تقابل حق و باطل	جنگ حق و باطل	۶		
		اعتقاد به وجود دشمن	۲۷		
	اعتقاد به رحمت خاص الهی	امدادهای غیبی	۳۲		
عقل عملی	مبارزه با دشمن	شناخت دشمن	انواع دشمن	دشمن درونی	۹
				هوای نفس	۹
				استکبار جهانی	۵
				افراد ضدین	۳
				شیطان	۱
		اهداف دشمن	مفسدین داخلی	۲۱	
			انحراف مردم	۵	
			جایگزینی مسائل اصلی با فرعی	۳	
			اخلال در محاسبات	۱۲	
			تفرقه‌افکنی	۶	
ابزارهای دشمن	نفوذ	۶			

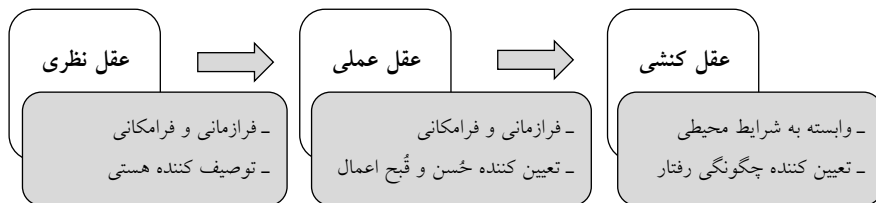
ادامه جدول ۳. چگونگی ترتیب قرارگیری مضامین فرعی ذیل مضامین اصلی و فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین اصلی	مضامین فرعی			کدهای توصیفی
	مبارزه با دشمن	جهاد	جهاد بیرونی	جهاد اصغر	جهاد اقتصادی
					جهاد سیاسی
					جهاد علمی
					جهاد فکری - فرهنگی
					جهاد نظامی
					عدم اطاعت از دشمن
					جهاد کبیر
				جهاد درونی	جهاد اکبر
عقل عملی	توجه به عوامل مافوق طبیعی	برکت طلبی			۷۶
		توکل			۱۳
		صبر			۱۳
	دین محوری	آخرت گرایی			۱۱
		نبیل به آرمان دینی			۱۲
		عزت مندی			۱۸
		سعادت طلبی			۲۱
		ولایت مداری			۱۹
		اخلاص			۲۰
		توجه به مسائل شرعی و دستورات دینی			۱۴۴
عقل کنشی	خردمندی	علمی بودن			۲
		هوشمندی			۹
		خلاقیت محوری			۳
	اینارگری	جوانمردی			۲
		حمایت از مظلومین			۱
		خدمت گذاری			۶
	رابطه سازنده رهبر - پیرو	توانمندسازی			۴
		رفع نیازمندی پیروان			۱
		مردمی بودن			۲۴

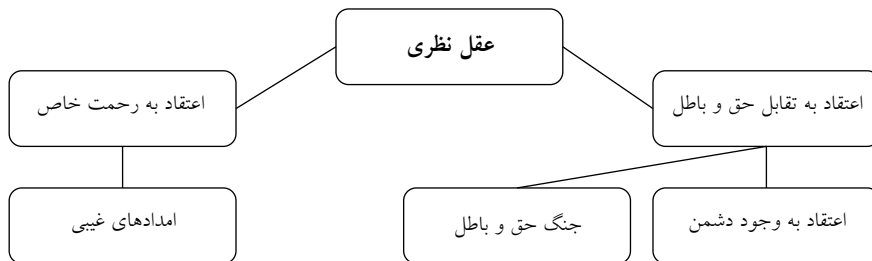
ادامه جدول ۳. چگونگی ترتیب قرارگیری مضامین فرعی ذیل مضامین اصلی و فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای توصیفی
عقل کنشی	مسئله محوری	محلی عمل کردن	۱
		اهتمام در دستیابی به نتیجه	۲
		هدف محوری	۴
		دغدغه مندی	۱۶
		کنش فعال	۶
	نظام مندی	اتحاد و همدلی	۱۳
		انسجام	۳
		آینده نگری	۸
		برنامه محوری	۳
		عدم جایگزینی مسائل اصلی با فرعی	۱
		جامعیت	۵
		خرد جمعی	۱
		اصلاح مقررات	۱
		ضابطه مندی	۲
		نظم در امور	۱
	برخورد صحیح با دشمن	تعادل میان دنیا و آخرت	۸
		عدم دشمن تراشی	۵
		عدم عقب نشینی در برابر دشمن	۱۶
		عدم غفلت از دشمن	۱۱
		عدم وابستگی به دشمن	۱۸
تلاش گری	مأیوس ساختن دشمن	۸	
	دوری از کاهلی	۵	
	پشتکار و سختکوشی	۱۴	
	اعتماد به نفس	۴	
		پرهیز از بی روحیه بودن و خودکم بینی	۳

الگوی نهایی تحقیق در نمودارهای ۲ تا ۵ ارائه شده است. در نمودار ۲ رابطه میان سه عقل دخیل در مدل بیان شده است؛ به این ترتیب که عقل نظری با توصیف هستی و فهم کارکرد جهان خلقت، پایه عقل عملی را می‌سازد. عقل عملی با تعیین حُسن و قُبْح فعلی، محدوده عقل کنشی را تعیین می‌کند و در نهایت عقل کنشی براساس شرایط محیطی نوع رفتار را مشخص می‌نماید. در تفاوت عقل عملی و عقل کنشی در این مدل باید بیان داشت که عقل عملی، پدیده‌ای ذهنی و فارغ از زمان و مکان و مقتضیات محیطی است، احکام آن کلی بوده و در همه مکان‌ها و زمان‌ها و در هر شرایطی صدق می‌کند. اما عقل کنشی معطوف به شرایط محیطی و زمان‌مند و مکان‌مند است. مثلاً اینکه باتوجه به سطح پیروان، چه میزان از تمرکزگرایی یا عدم تمرکز باعث بیشترین بهره‌وری می‌شود؟ یا باتوجه به توازن قوا، چگونه باید با دشمن وارد کنش شد؟ چه سبک از مبارزه‌ای بهترین نتیجه را در پی خواهد داشت؟ و سؤالاتی از این قبیل که به شرایط زمان و مکان و تأثیر آنها بر رفتار تشکیلات جهادی و نظام مدیریتی اشاره دارد، در قلمرو عقل کنشی واقع می‌شود. نمودارهای ۳ تا ۵ نیز مؤلفه‌های سه عقل نظری، عملی و کنشی را نشان داده و در ذیل هر یک، این مؤلفه‌ها تبیین می‌شوند.

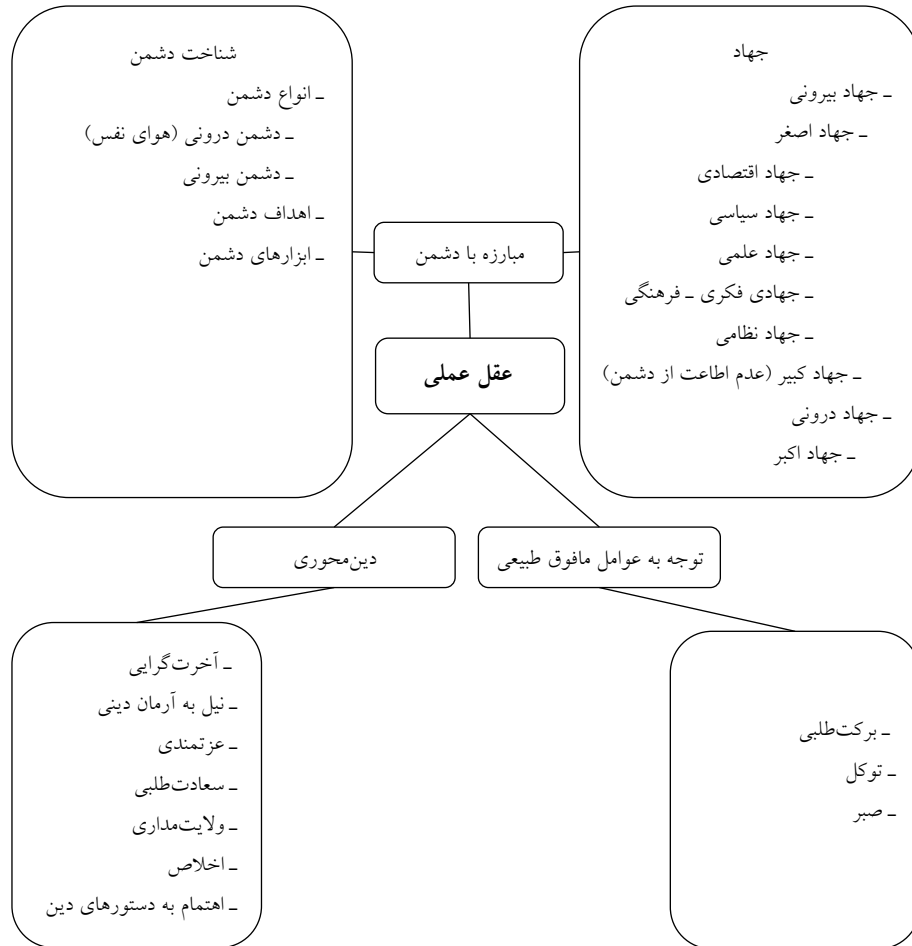


نمودار ۲: چگونگی برقراری رابطه میان سه عقل نظری، عملی و کنشی



نمودار ۳: مؤلفه‌های عقل نظری

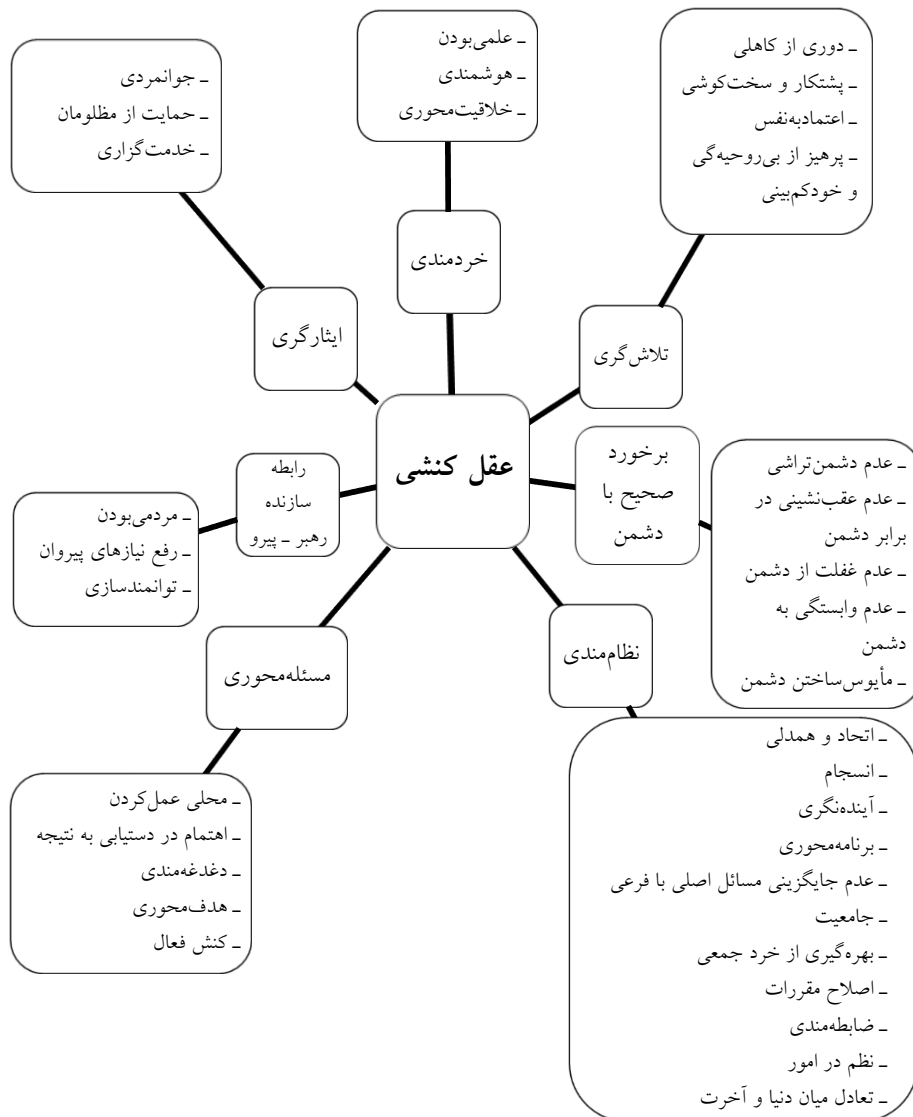
عقل نظری: از نظرگاه عقل نظری، مدیر جهادی، جهان را در چارچوب جنگی جاری میان حق و باطل می‌بیند. او یکی از جهادگران جریان حق است و باید براساس و محوریت دین عمل کند. یعنی هدف مدیر جهادی توسط دین تعیین می‌شود. البته طبیعی است که منظور چارچوب اصلی حرکت و سمت و سوی این حرکت است و نه اهداف عملیاتی، روزانه یا حتی سالیانه. اما هرچه که باشد، هدف، مسیر و نوع حرکت صرفاً براساس آموزه‌های دینی پی‌ریزی خواهد شد. در واقع، دین همان جریان حق است و هرآنچه غیر از آن، شعبه‌ای از شعبات باطل، تلقی خواهد شد. «ما در عین اینکه می‌گوییم مفهوم جهاد از نظر اسلام، دفاع است نه تجاوز، مقصودمان این است که در اسلام جنگیدن برای جذب کردن و خوردن دیگری جایز نیست، ولی برای دفاع از یک حقیقتی باید باشد. از حق دفاع کردن، دفاع از حقیقت است، از استقلال‌ی دفاع کردن دفاع از حقیقت است، از ناموسی دفاع کردن، دفاع از حقیقت است، از آزادی یک ملت دفاع کردن، دفاع از حقیقت است» (مطهری، ۱۳۹۴: ۶۶). بر همین اساس، مدیر جهادی معتقد است که اگر در مسیر دین الهی، با هدف الهی و با ابزارهایی که مورد رضایت خداوند متعال قرار دارند به اداره امور پردازد، قطعاً مورد حمایت ساختار جهان هستی و امدادهای غیبی الهی قرار خواهد گرفت که از آن به برکت یاد می‌شود. این برکت همان رحمت خاص الهی و مخصوص مؤمنین است. در همین رابطه استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید: «زندگی انسان اگر مقرون به حق جویی و حقیقت‌خواهی و اخلاص و عمل و کوشش باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرد و از راه‌هایی که بر ما مجهول است دست غیبی ما را تحت عنایت خود قرار می‌دهد» (مطهری، ۱۳۹۱ الف: ۷۵). عقل نظری حکم می‌کند که جهان براساس جنگ حق و باطل پیش می‌رود و فردی که در مسیر جریان حق بر محوریت دین حرکت می‌کند، مشمول رحمت خاص الهی می‌شود.



نمودار ۴: مؤلفه‌های عقل عملی

عقل عملی: بر این اساس، عقل عملی به تبعیت از عقل نظری و براساس محصولات آن، به تولید انگاره‌هایی فرازمانی و فرامکانی می‌پردازد و «بایدها و نبایدها»ی عملی مدیر جهادی را تعیین می‌کند. دین محوری و حرکت براساس دستورات شرعی (با ۱۴۴ بار تکرار کد) اصلی‌ترین حکم عقل عملی است. اما در این مسیر ما دشمنانی داریم که ممانعت از تکامل بشریت، اصلی‌ترین هدف آنهاست. پس عقل عملی حکم می‌کند که باید آنها، اهدافشان و ابزارهایشان را شناخت و به مبارزه با آنها پرداخت. عقل عملی با شناخت انواع دشمن، ابزارها و اهداف دشمن، انواع جهاد را مشخص

می‌کند. سپس حکم می‌کند هر کسی که در سایه ولایت الهی و با توکل به او اخلاص ورزد و استقامت نماید و در مسیر آرمان‌های دین و جامعه دینی حرکت کند و در این مسیر با دشمنان درونی و بیرونی به مبارزه‌ای جانانه برخیزد، لایق رحمت الهی خواهد شد.



نمودار ۵: مؤلفه‌های عقل کنشی

عقل کنشی: در مسیر این مبارزه و برای حصول به بهترین نتیجه، مدیر جهادی ابتدا باید مسئله خود را بشناسد و با کنش‌گری فعالانه برای حل آن اقدام نماید. کاهلی نکند، خودش را در برابر قدرت دشمن کوچک نیند و هدف را گم نکند و از آن سو، با برنامه بوده و در راه هدف، دغدغه‌مندانه تلاش نماید تا به پیروزی رسد. در این مسیر او باید نسبت به پیروان دلسوز باشد و با اینارگری در قبال مستضعفین و محرومان به تلاش برای احقاق حقوق آنان پردازد. البته عقل کنشی، تابع شرایط زمانی و مکانی است و مدیر باید براساس تجربه، بهترین تصمیم را اخذ کند. مدیران جهادی با دشمنان دین می‌جنگند ولی سطح عمل آنها می‌تواند محلی یا وسیع باشد. این بستگی به نوع دشمنی است که باید با آن مبارزه کنند. آنها هیچ‌گاه در قبال هیچ دشمنی کوتاه نمی‌آیند و عقب‌نشینی نمی‌کنند. همواره دشمن را مدنظر دارند و از آن غفلت نمی‌کنند و با قطع وابستگی‌های خود به دشمن، به دنبال مایوس کردن او از ایجاد خلل در مسیر تکامل بشریتند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق چنین یافت شد که عقلانیت مدیریت جهادی از سه مؤلفه عقل نظری، عقل عملی و عقل کنشی تشکیل شده است. دو عقل نظری و عملی فرازمانی و فرامکانی هستند؛ یعنی محصول آنها تابع زمان و مکان نبوده و همیشگی و دائمی است. به‌طورمثال، جنگ میان حق و باطل که از محصولات عقل نظری است، در سراسر پهنه تاریخ و جغرافیا در جریان است و در هیچ زمان و مکانی متوقف نمی‌شود، اما محصولات عقل کنشی وابسته به زمان و مکان هستند و مدیر جهادی باید براساس شرایط محیطی به آنها عمل کند. برای نمونه «اهتمام در دستیابی به نتیجه» و «برنامه‌محوری» دو مؤلفه‌ای هستند که می‌توانند در مقابله با هم تفسیر شوند و این امر که مدیر جهادی براساس کدام یک عمل کند، وابسته به متغیرهای محیطی و تشکیلاتی است.

نوع نگاه به جهان هستی، در قالب عقل نظری بررسی می‌شود. عقل نظری چگونگی کارکرد جهان هستی را مورد تدقیق قرار می‌دهد. پس از فهم جهان هستی و دستیابی به گزاره‌های جزئی و یقینی، عقل عملی وظیفه صدور حکم براساس آنها را برعهده دارد. در واقع، عقل عملی، حکم به خوبی یا بدی یک گزاره می‌دهد. «قضاوت» وظیفه عقل عملی است. عقل عملی مسیر کلی پیش روی مدیر جهادی و لوازم طی نمودن این راه را مشخص می‌کند و در نهایت، چگونگی طی این مسیر براساس حوادث به‌وقوع پیوسته و شرایط زمانی و مکانی خاص نیز برعهده عقل کنشی است.

بدین ترتیب عقل نظری و عملی، عقل کنشی را محدود می‌کنند.

در پایان، مدیر جهادی، هدفی جز اعتلای نام دین و تحقق اهداف اسلام راستین ندارد. او در این راه با دشمنانی سرسخت مواجه است که با توجه به رهنمودهای دینی‌ای که به آنها پای‌بند است (و دشمنان به چنین رهنمودهایی پایبندی ندارند)، عقلانیت حکم می‌کند او به شکلی رفتار کند تا کلیت جهان هستی که در خدمت تحقق هدف خلقت است، با او همراه شود. از منظر مدیریت جهادی، هر فردی که الزامات نظری، عملی و کنشی جهاد را در عرصه‌های مختلف مدیریتی رعایت کند با هدف جهان هستی همسو خواهد بود و تمام ارکان آفرینش به یاری او خواهند پرداخت و چنین فردی قطعاً به هدف خواهد رسید.

در نهایت براساس نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. از آنجا که دین‌محوری، پر تکرارترین کد در این تحقیق بود و همین موضوع نشان‌دهنده اهمیت دین‌محوری در امر مدیریت جهادی است و ایمان و تقوا به‌عنوان رکن ذهنی و عملی دین، دو عامل بنیانی مدیریت جهادی هستند، در واقع، می‌توان به نوعی هر آنچه را که به این دو عامل صدمه می‌زند، نوعی دشمن به حساب آورد، لذا لازم است عوامل مؤثر بر تقویت و تضعیف آنها در هر موقعیت زمانی و مکانی شناسایی شده و تاحدامکان، با موانع برخورد و عوامل پیش‌برنده، تقویت شوند.

۲. عقل نظری و عملی ریشه در ذهن داشته و فرازمانی و فرامکانی می‌باشند. همین ویژگی امکان اتفاق نظر را در مورد مفاهیم مرتبط با آنها افزون می‌سازد. اما عقل کنشی، به دلیل آنکه وابسته به مکان و زمان است، حصول اتفاق نظر در آن با دشواری بیشتری همراه است. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود برای حل این مسئله، مدیران جهادی در بلندمدت، بر تعمیق مفاهیم عقل نظری و عملی در اذهان پیروان سرمایه‌گذاری نمایند. این رویه منتج به آن می‌شود که در گذر زمان، شرایط حصول اتفاق نظر روی مفاهیم و مؤلفه‌های عقل کنشی نیز فراهم آید. برای این منظور که می‌توان آن را توانمندسازی جهادی پیروان نیز نام نهاد، لازم است تا علاوه بر مهارت‌های فنی، به آن دسته از مهارت‌های ادراکی که موجب تعمیق بصیرت در پیروان می‌شود پرداخت و آنها را بهبود بخشید.

۳. اگر دشمن را یک گروه، سازمان، کشور یا جامعه در نظر بگیریم، می‌توان ادعا کرد این واحدها حتماً در قبال آینده، پیش‌فرض‌هایی خواهند داشت. بنابراین، مدیر جهادی باید در خود و تشکیلات تحت مدیریتش، توانایی فهم پیش‌فرض‌های دشمن درباره آینده را ایجاد نماید.

بدین ترتیب، هم می‌توان رفتارهای دشمن را پیش‌بینی کرد و مهم‌تر آنکه با اتخاذ کنش فعالانه، آینده‌ای ناقص پیش‌فرض‌های دشمن را ایجاد نمود. بدین ترتیب، در یک بازه زمانی، کانون‌های تفکر دشمن دچار انفعال بینشی و عملیاتی شده و مبارزه با او تسهیل می‌شود.

۴. مدیر جهادی باید محیط کلان جامعه و جهان را با دقت بالایی رصد کرده و جایگاه خود در نقشه کلان اعتلای کلمه حق را جایابی نماید و سپس براساس بینش محلی خود، مسئله را تعریف و برای حل آن کوشش نماید. بدیهی است که مسئله محلی، با توجه به مشکلات جهانی، تعریف می‌شود.

منابع فارسی

- اسلامی تنها، اصغر (۱۳۹۰)، بازتاب متضاد عقلانیت در نظریه فرهنگی ماکس وبر و علامه طباطبایی، معرفت فرهنگی اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲: ۳۳ - ۵.
- باقری، مسلم؛ جاجرمی‌زاده، محسن و کیانی، مهرداد (۱۳۹۳)، طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌گیری مدیران جهادی، چشم‌انداز مدیریت دولتی، دوره ۵، شماره ۳: ۸۵ - ۱۱۸.
- تولایی، روح‌الله و شکوهیار، سجاد (۱۳۹۳)، ارزیابی مؤلفه‌های مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی با رویکرد کارت امتیازی متوازن، چشم‌انداز مدیریت دولتی، دوره ۵، شماره ۱۹: ۳۸ - ۱۵.
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۷۰)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۵ و ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، تفسیر تسنیم، جلد یازدهم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، جلد بیستم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، تفسیر تسنیم، جلد پانزدهم و بیست‌وسوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، تفسیر تسنیم، جلد سی‌وسوم و سی‌وچهارم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، تفسیر تسنیم، جلد سی‌وپنجم، قم: اسراء.
- حجازی‌فر، سعید (۱۳۹۴)، چیستی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی، مدیریت اسلامی، دوره ۲۳، شماره ۳: ۱۲۲ - ۹۵.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، (سروراستار)، جلد اول، تهران: دوستان.
- دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا)، لغت‌نامه، برداشت‌شده از نرم‌افزار فرهنگ‌یار.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ه.ق)، مفردات ألفاظ قرآن، بیروت: دارالشامیه.
- رضوان‌خواه، سلمان و فاضلی دهکردی، مهدی (۱۳۸۹)، احصاء و بررسی مبانی، اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی، مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۲: ۱۸۱ - ۲۱۳.

- زیباکلام، سعید (۱۳۹۵)، *عقل و استدلال و عقلانیت*، تهران: اسم.
- زیباکلام، سعید (۱۳۹۶)، *افسانه‌های آرام‌بخش*، تهران: اسم.
- سلامت باویل، لطیفه (۱۳۹۳)، *جلوه عقلانیت در قصص قرآن، پژوهشنامه قرآن و حدیث*، دوره ۹، ش ۱: ۷۴ - ۸۳.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، جلدهای ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۵۱)، *تفسیر مجمع‌البیان*، ترجمه حسین نوری و محمد مفتاح، جلدهای ۲، ۴، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵. تهران: فراهانی.
- عبدی، بهنام و طاهری هشی، علی (۱۳۹۴)، *مفهوم‌پردازی مدیریت جهادی در پرتو قرآن کریم، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، دوره ۵، ش ۱۸: ۱۱۹ - ۱۳۸.
- علیزاده، عمران (۱۳۶۰)، *واژه‌های نهج‌البلاغه*، قم: شفق.
- فخری، ماجد (۱۳۸۳)، *عقلانیت در فلسفه اسلامی*، ترجمه مرتضی فتحی‌زاده، *ذهن*، دوره ۱۱، شماره ۴۲ - ۴۱: ۱۳۴ - ۱۲۱.
- فرهمنادیا، حوریه و مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۶)، *الگوی شایستگی مدیران جهادی بر مبنای بیانات حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله)*، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، دوره ۶، ش ۲۲: ۲۰۳ - ۲۳۱.
- قاضی، حسن (۱۳۵۷)، *جهاد*. قم: اسلامی.
- قاندعلی، حمیدرضا و عاشوری، مهدی (۱۳۹۳)، *مدیریت جهادی شیوه‌ای تحقق‌یافته از مدیریت اسلامی (مطالعه‌موردی: جهاد سازندگی در دهه نخستین انقلاب اسلامی ایران)*، *مهندسی فرهنگی*، دوره ۹، شماره ۸۲: ۸۳ - ۶۷.
- قائم‌نیا، علی‌رضا (۱۳۸۳)، *چیستی عقلانیت، ذهن*، دوره ۵، شماره ۱۷: ۱۲ - ۳.
- قرشی بنابی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قرشی بنابی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۷)، *مفردات نهج‌البلاغه*، جلد اول، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر قبله.
- کاجی، حسین (۱۳۸۳)، *انگاره عقلانیت و معنویت در آزمون نقد، راهبرد*، دوره ۱۳، شماره ۳۳: ۲۵۷ - ۲۳۷.
- محمدی، رحیم (۱۳۸۲)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی عقلانیت (رویکردی بر مسائل عقلانیت دینی و سکولار)*، تهران: باز.
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و دیگران (۱۳۹۲)، *تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، اندازه‌گیری تربیتی*، دوره ۴، شماره ۱۴: ۲۲۲ - ۱۸۷.
- مبینی، محمد (۱۳۹۵)، *طراحی الگوی اسلامی - ایرانی مدیریت جهادی در راستای عینیت‌بخشی ام‌القرای جهان اسلام، مدیریت اسلامی*، دوره ۲۴، شماره ۴: ۱۶۰ - ۱۳۷.

- محسنی تبریزی، علی‌رضا و سلیمی، علی (۱۳۹۱)، تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی، *روش‌شناسی علوم انسانی*، دوره ۱۸، شماره ۷۲: ۱۵۸ - ۱۳۵.
- محمدی، رحیم (۱۳۸۲)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی عقلانیت (رویکردی بر مسائل عقلانیت دینی و سکولار)*، تهران: باز.
- مدرس وحید، احمد (بی‌تا)، *شرح نهج البلاغه*، جلد سوم، قم: بی‌نا.
- مردی‌ها، سیدمرتضی (۱۳۸۹)، *دفاع از عقلانیت (تقدم عقل بر دین، سیاست و فرهنگ)*، تهران: نقش و نگار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱ الف)، *امدادهای غیبی در زندگی بشر*، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱ ب)، *انسان و سرنوشت*، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، *جهاد*، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴)، *جهاد اسلامی و آزادی عقیده*، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴)، *نبرد حق و باطل*، قم: صدرا.
- معین، محمد (بی‌تا)، *فرهنگ فارسی*، برداشت‌شده از نرم‌افزار فرهنگ‌یار.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۸)، *پیام امام امیرالمؤمنین شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه*، جلد دوم، قم: امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، جلد‌های ۴، ۷، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منصوری، علی‌رضا (۱۳۹۴)، *عقلانیت در علم و تکنولوژی*، ذهن، دوره ۱۶، شماره ۶۱: ۱۳۴ - ۱۱۵.

منابع انگلیسی

- Giddens, Anthony. & Sutton, Philip W. (2014). **Essential concepts in sociology**. Cambridge: Polity.
- Hatch, Mary Jo. & Cunliffe, Ann L. (2013). **Organization Theory (modern, symbolic and postmodern perspective)** (3rd ed.). Oxford: Oxford university press.
- Kekes, John. (1976). **A Justification of Rationality**. Albany: State University of New York Press
- Kekes, John. (1989). Rationality and logic. In: Biderman, Shilomo. & Scharfstein, Ben-Ami (Eds). **Rationality in Question: On Eastern and Western Views of Rationality**. Leiden: E J. Brill. Pp. 3-17.
- Mayring, Philipp. (2000). Qualitative Content Analysis. **Forum: qualitative social research**. 1(2), Retrieved from: <http://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/1089/2385>
- Mayring, Philipp. (2014). **Qualitative Content Analysis. Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution**. Klagenfurt: Gesis.
- Nickerson, Raymond S. (2008). **Aspects of Rationality: Reflections On What It Means to Be Rational and Whether We Are**. New York: Psychology.
- Oxford Dictionary. (2017). **Rationality**, Retrieved from: <https://en.oxforddictionaries.com>
- Schreier, Margrit. (2014). Qualitative Content Analysis. In: Flick, Uwe. **The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis**. London: Sage. Pp. 170-183.